إياك أن تمنع في طاعة الله فتنفق مثليه في معصية الله

مبادا از خرج کردن در راه طاعت خدا خودداری کنی و آن‌گاه دو برابرش را در معصیت خدا خرج کنی.

من علامات الفقه الحلم و العلم و الصمت

از نشانه‌های فقاهت، بردباری و دانش و خاموشی است.

نیم نگاه

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی:

«قوم برگزیده خدا» برداشتی جاه‌طلبانه از روی هوای نفس و ذهن بیمار است

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، برداشت قوم برگزیده خدا از سوی یهودیان را جاه‌طلبانه و ناشی از هوای نفس بیمار دانست.

به گزارش آستان‌نیوز، دکتر حمید عباس‌زاده، عضو هیئت علمی گروه ادبیات عربی دانشگاه رضوی، در نخستین نشست علمی از سلسله گفت‌وگوهای بین‌المللی قرآن و حقوق بشر به ارائه دیدگاه خویش با عنوان «الکرامه الانسانیه فی القرآن؛ دلالات و تجلیات» پرداخت.

وی ضمن بررسی لغت‌شناسی کرامت در مصادر عربی، معادل‌های کرامت را شامل جود، کثرالخیر، جامع انواع خیر و شرف، بخشش و عطای سهل و نظایر آن دانست.

عضو هیئت علمی دانشگاه رضوی در بررسی ماده کرم در قرآن گفت: ماده کرم در قرآن، ۴۷ مورد تکرار شده که بیش از ۱۰ بار به‌عنوان صفت خداوند به کار رفته و معنای کرامت در قرآن، به دو معنای فطری و اکتسابی قابل تقسیم است که آیه مبارکه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (الإسراء/ ۷۰) ناظر به معنای فطری و آیه شریفه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات/ ۱۳) به معنای اکتسابی کرامت اشاره دارد.

■ تجلیات کرامت در قرآن

وی پس از اشاره به این دلالات، به تجلیات کرامت در قرآن اشاره کرد و گفت: خلقت انسان به بهترین شکل در آیه «وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ» (غافر ۶۴)، دمیدن روح الهی در انسان در آیه «إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِن طِينٍ / فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (ص، ۷۱ و ۷۲)، مقام خلیفه‌اللهی انسان در زمین در آیه «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (البقرة ۳۰) بیان شده است.

وی ادامه داد: تسخیر آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای انسان در آیه «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (لقمان ۲۰)، ارسال پیامبران و انزال کتب آسمانی برای انسان در آیه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (الحدید ۲۵) و همچنین تشریع قوانین برای حیات طیبه انسان در آیات مختلف که ناظر به حقوق حیات، آزادی، عدالت، مساوات و نظایر آن‌هاست، از مصادیق کرامت انسانی در قرآن است.

■ قلمرو کرامت انسانی شامل همه ابنای بشر

دکتر عباس زاده بیان کرد: مطابق با آیات الهی در قرآن کریم، قلمرو کرامت انسانی شامل همه ابنای بشر و همه وجوه فردی و جمعی، مادی و معنوی، جسمی و روحی و همه زمان‌ها و مکان‌هاست و حق ثابت و لایتغیری برای انسان محسوب می‌شود.

وی در پایان گفت: امروزه کرامت، در معرض تحدید و تضییق و تفسیر به حسب هواهای نفسانی بیماری است که دارای جاه‌طلبی‌های خاص‌اند. نمونه‌هایی مانند اعتقاد به «قوم برگزیده خدا» در میان یهودیان، برتری نژادی در میان نازی‌ها و عدم اعتبار برخی کشورهای بزرگ مانند ایالات متحده آمریکا که از شعار حقوق بشر برای منافع خود سوءاستفاده می‌کنند و در عین حال چشم خود را بر جنایات رژیم اشغالگر اسرائیل علیه فلسطینیان می‌بندند.

نکته‌ها

حجت‌الاسلام والمسلمین عالی

دروغ مصلحتی، تزویر نفس است

گاهی به خاطر حب نفس و خودخواهی، کارهای زشت خود را توجیه می‌کنیم. گناه، زشت است اما توجیه گناه از خود گناه زشت‌تر است. گاهی شخص غیبت می‌کند و می‌گوید روبه‌روی او هم می‌گویم. دروغ می‌گوید، آن را مصلحتی می‌داند؛ تهمت می‌زند، می‌گوید همه می‌گویند؛ موسیقی حرام گوش می‌دهد، می‌گوید آرامش می‌گیرم؛ نزول و ربا می‌گیرد، می‌گوید همه این کار را می‌کنند، اما نمی‌داند همه این‌ها تزویر نفس است. وقتی انسان گناه می‌کند نفس، گناه را در نظرش زیبا جلوه داده و او را فریب می‌دهد. تکرار و عادی شدن گناه برای انسان بسیار بد است. از اینکه گناه برای ما عادی شود بسیار بترسیم. عادت به یک گناه برای انسان در باطن ملکه درست می‌کند و به مرور تبدیل به هویت و شخصیت انسان می‌شود و انسان در آخرت با همین شخصیت محشور می‌شود، بنابراین اصرار بر گناه از خود گناه بدتر است.

نکته‌ها

حجت‌الاسلام والمسلمین انصاریان

این حکم قرآن است که درباره هیچ‌کس گمان بد نبرید

خداوند در قرآن می‌فرماید از بسیاری از گمان‌های بد پرهیز کنید، چراکه گناه آن در کتاب شما نوشته می‌شود و در قیامت بابت آن دادگاهی می‌شوید. این حکم قرآن است که درباره هیچ‌کس گمان بد نبرید. امام سجاد(ع) می‌فرمایند: از نظر سن، مردم از شما بزرگ‌تر یا کوچک‌تر هستند، او که بزرگ‌تر است این گمان را در حق او ببر که احتمالاً یک لااله الاالله بیشتر از تو گفته است و کسی هم که از شما کوچک‌تر است یک گناه از شما کمتر دارد. پس همه بزرگ‌ترها و کوچک‌ترها از شما بهتر هستند؛ بنابراین درباره مردم گمان بد نبرید.

دیدگاه

تخریب قبور بقیع و پیامدهای تمدنی و معنوی آن

زخمی که همچنان تازه است

۸ شوال، روز جهانی بقیع و سالروز تخریب قبور ائمه بقیع(ع) به دست وهابیون تکفیری است، امری که نقشه‌ای خائنانه برای نابودی تاریخ اسلام بود.

دشمنان اسلام، نابودی آثار رسالت و اصالت‌های باقی مانده از دوران پیامبر(ص) و صحابه و تابعان -به‌گونه‌ای که چیزی ملموس از آن زمان باقی نماند- را در پوشش توحید و مبارزه با شرک انجام می‌دهند. از این رو همه قبور متعلق به صحابه، عترت پیامبر(ع)، تابعان، علما و شخصیت‌های اسلامی را نابود و با خاک یکسان می‌کنند و اگر از مسلمانان جهان نمی‌ترسیدند، مرقد پیامبر(ص) را نیز ویران کرده بودند.

همچنین پایین آوردن مقام و موقعیت پیامبران و اولیای الهی به عنوان اینکه آنان تنها بازگوکنندگان دستورات الهی بودند و رسالت آن‌ها در این قسمت با مرگ آنان پایان یافته و تفاوت چندانی با امت خود ندارند، یکی دیگر از اثرات سوء این واقعه شوم بود. تخریب‌های وهابیان منحصر به بارگاه‌ها نبود. آنان افزون بر ویرانی قبور، بسیاری از آثار تاریخی چون خانه امام سجاد(ع)، خانه امام صادق(ع)، مشربه ام‌ابراهیم، مسجد فاطمه(س)، مبرک ناقه پیامبر(ص)، محل عریش پیامبر(ص)، خانه ارقم بن ابی‌ارقم، خانه ابوایوب انصاری، مرقد علی عریضی و مساجد شیعیان و اهل سنت را از میان بردند. کسانی از حج‌گزاران و رجال سیاسی دوره قاجار که همزمان با این ایام مسافر حرمین بوده‌اند، وضع اندوه‌زای بقیع را وصف کرده‌اند .دیدن بقیع در این وضع، موجب ناخرسندی زائران می‌شد. آنان ضمن بازگویی اندوه خود، آرزوی ساختن بارگاه‌ها را در خاطراتشان می‌نوشتند. کسانی از غربیان نیز پس از ویرانی این مرقدها از آن‌ها دیدار و وضع را گزارش کرده‌اند. سر هارد فورد در خاطراتش به ویرانی گنبدهای مراقد امامان بقیع و چپاول گوهرهای مرقد نبوی اشاره کرده است. ریتر، رفتار وهابیان در ویرانی مرقدهای بقیع را به زلزله‌ای ویرانگر تشبیه کرده است. دونالدسون نیز وضع ناگوار پس از اقدام وهابیان در ویرانی قبرها را وصف کرده است.(ویکی فقه) این تخریب ویرانگر آثار بسیار هولناکی برای تمدن اسلامی داشت که تبعات آن همچنان ادامه دارد. در ادامه، برخی از پیامدهای بسیار ناگوار این تخریب تمدنی و فرهنگی از مقاله‌ای به قلم **حجت‌الاسلام دکتر امیر علی حسنلو، استاد سطوح عالی حوزه علمیه** را با هم مرور می‌کنیم.

■ بازتاب و پیامدهای این تخریب ویرانگر در جهان

تخریب چهره دین: دین اسلام به صورت یک دین خشن و مروج خشونت معرفی شد که هر نوع حرکت و تحولی، رنگ شرک و دوگانه‌پرستی به خود می‌گیرد، به‌گونه‌ای که احترام آموزگاران الهی به صورت برگزاری یادواره، شرک اعلام می‌شود. گویی باید ارتباط بشر با گل‌های سرسبد آفرینش قطع شود و از اسلام جز کتاب (آن هم با تفسیر غلط سلفی‌ها) و احادیث (جعلی و اسرائیلیات کذایی) چیزی باقی نماند.

تفرقه‌افکنی: این کار سبب ایجاد تفرقه میان مسلمین شد، به‌گونه‌ای که جهان تسنن دچار تفرقه شد و جنگ‌های خونین به راه افتاد. بیشتر تلاش دانشمندان به جای دفاع دربرابر حملات مسیحیان و مادی‌ها، صرف مقابله با شبهات محمد بن عبدالوهاب شد و اندیشمندان بزرگ مصر، عراق، شام و لبنان در این سه قرن بسیاری از وقت خود را صرف نقد این مسلک کردند.

کشتار مسلمانان: کشتار بی‌رحمانه مسلمانان اعم از شیعه و سنی در این شورش‌های خونین در شهرهای مختلف از جمله مکه و مدینه و خونریزی و غارت توسط وحوش و یاغیانی که خود را سلفی مسلمان معرفی کردند صورت گرفت که در برخی منابع تصریح شده است.

نابودی میراث معنوی: ویرانی تمدنی و معنوی میراث اصلی فرهنگ و تمدن اسلامی توسط این یاغیان و نیز آثار تاریخی به‌جا مانده از صدر اسلام که گواهی بر بسیاری از حقایق تاریخی بود توسط این گروه ویران شد و هیچ اثری از آن‌ها برجا نماند. به‌طوری‌که اگر امروز کسی به انکار این حقایق بپردازد، سندی برای اثبات آن که به‌صورت عینی وجود داشت، نمانده است. این‌ها با این رویکردها اسناد بزرگ تاریخی را محو کردند و قصد و انگیزه آن‌ها نیز همین بود.

تخریب تاریخ و میراث تاریخی: میراث تاریخی و آثار تمدنی امروز یکی از جاذبه‌های گردشگری است. به‌علاوه یکی از منابع درآمدی فرهنگی کشورهای اسلامی به شمار می‌آید به‌طوری‌که غرب همواره در آرزوی داشتن چنین آثاری است که هم درآمد داشته باشد هم در معرفی فرهنگ آنان نقش‌آفرینی کند.

تعطیلی مراکز بزرگ علمی: یکی از پیامدهای شوم پدیده تکفیر که از دامن وهابیت روییده و خطر بزرگ در راه علم‌آموزی و رونق علمی به‌شمار می‌آید، تعطیلی طولانی مدت مراکز علمی ممالک اسلامی بوده است. همچنین جریان‌های تکفیری از آغاز حرکت‌های مسلحانه کشتار وسیعی از دانشمندان را در کارنامه خود داشته‌اند.

نابودی میراث مکتوب: به آتش کشیدن کتابخانه‌ها و سوزاندن نسخ خطی نفیس و کتاب‌های علمی یکی از پیامدهای دردناک این واقعه است که وهابیت در این راستا مرتکب شد. آتش زدن کتابخانه بزرگ «المکتبه العربیه» که بیش از ۶۰هزار عنوان کتاب گرانقدر کم‌نظیر و بیش از ۴۰هزار نسخه خطی منحصر به‌فرد داشت از آن جمله است. همچنین آثار خطی حضرت علی(ع)، ابوبکر، عمر، خالد بن ولید، طارق بن زیاد و برخی از صحابه پیامبر(ص) و قرآن مجید به خط عبدالله بن مسعود در این کتابخانه وجود داشت.

در پایان سخن باید گفت زخم این تخریب و آثار آن برای مسلمین همچنان تازه است. آنچه امروز در خاورمیانه و قلب امت اسلام و قبله نخست اسلام می‌گذرد و اهل غزه را زیر بار ستمبارترین و تلخ‌ترین حوادث قرار داده، از جنبه‌های مختلف با پدیده تکفیر مرتبط است که باید مورد تأمل واقع شود. اگر امت اسلام وحدت و همگرایی عمیق داشتند و مطیع فرامین قرآن و رسول اعظم(ص) و وصی واقعی او بودند هرگز این معضلات و مشکلات اندوهبار برای امت وجود نداشت.

بنابراین تکفیری‌ها با تفرقه و تکفیر و کشتار علما، آرامش و امنیت را که مهم‌ترین زیربنای علم و آموزش است از بین برده و از طرفی با آتش زدن مدارس، مراکز علمی و کتابخانه‌ها، منابع قدیمی و منحصر به فرد را از بین بردند و با ایجاد جنگ و درگیری در سراسر جهان اسلام موجب تعطیلی و فترت جریان رشد و رونق و حیات علمی شدند.

چهارشنبه‌های امام رضایی در محضر احادیث رضوی - حدیث سی ام

تخریب بقیع؛ اهانت به آیات الهی

مریم احمدی شیروان

هشتم شوال مصادف است با سالروز تخریب قبور ائمه بقیع(ع) توسط گستاخ‌ترین مردم و کژفهم‌ترین افراد بشر که با این کار، آیه شریفه «فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فِیهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» را هتک و به حریم بهترین بندگان خداوند اهانت کرده و اجر رسالت را که براساس آیه شریفه «قُلْ لَا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَی» مودت و دوستی آل پیامبر(ع) بود، پایمال کردند.

این روز تاریخی، هرگز نباید فراموش شود. در چنین روزی، مظلومیت شیعه و ائمه آن(ع)، دوباره به جهانیان نشان داده شد و باید به همه بشریت فهماند همواره حق و حقیقت، مورد هجوم و تعدی باطل‌پرستان قرار دارد و اهل باطل تمام سعی خود را در نابودی حقیقت حتی در آثار تاریخی‌شان خواهند داشت؛ ولی زهی خیال باطل، چرا که خداوند اراده کرده است: «أَنْ یُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ کَرِهَ الْکَافِرُونَ».

۴۰ چهارشنبه را میهمان کلمات گهربار و حیات‌بخش حضرت علی بن موسی‌الرضا(ع) هستیم و همراه خوانندگان، شرح یک حدیث رضوی را در گفت‌وگو با اساتید حوزه و دانشگاه بررسی خواهیم کرد. شرح حدیث این هفته را در محضر فقیه عالیقدر و استاد دروس خارج حوزه علمیه قم آیت‌الله حاج شیخ محسن فقیهی هستیم تا از جام معرفت کلمات رضوی، جان تشنه خویش را سیراب کنیم.

■ با عرض تسلیت هشتم شوال، سالروز تخریب قبور ائمه بقیع(ع)؛ بفرمایید آیا در سیره امام رضا(ع) درباره اهمیت قبرستان بقیع و زیارت آن، روایاتی وارد شده است؟

روز هشتم شوال که توسط برخی از بزرگان به نام روز جهانی بقیع نام‌گذاری شده است، یادآور حمله وحشیانه وهابیان کورباطن به قبور مظلوم ائمه بقیع(ع) است که به‌حق، روزی فراموش‌نشدنی و غمبار برای شیعه است. در همین ابتدا از همه حوزه‌های علمیه، مردم شریف و شیعیان در سراسر جهان درخواست دارم در این روز بزرگ و جهانی، یاد ائمه مظلوم بقیع(ع) را گرامی بدارند و در فضائل آن‌ها مجلس وعظ، خطابه و سخنرانی تشکیل دهند و صدا و سیما و رسانه‌های دیگر نیز این روز را تعظیم کنند و به همه بگویند تخریب قبور ائمه بقیع(ع)، اهانت به آیات شریفه الهی در ضرورت مودت و احترام و اطاعت اهل بیت پیامبر(ع) است و تاریخ هرگز این هتک حرمت را فراموش نخواهد کرد.

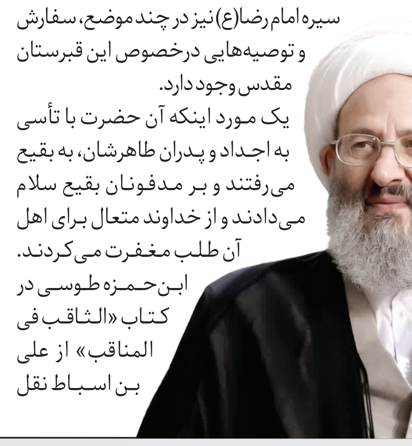

اما اینکه پرسیدید در سیره امام رضا(ع) آیا بقیع مورد عنایت بوده و سخنی در کلمات آن حضرت در این باره آمده؛ عرض می‌کنم بله. همان‌طور که در سیره سایر ائمه(ع) درباره این قبرستان مطهر توصیه‌هایی شده، در سیره امام رضا(ع) نیز در چند موضع، سفارش و توصیه‌هایی درخصوص این قبرستان مقدس وجود دارد.

یک مورد اینکه آن حضرت با تأسی به اجداد و پدران طاهرشان، به بقیع می‌رفتند و بر مدفونان بقیع سلام می‌دادند و از خداوند متعال برای اهل آن طلب مغفرت می‌کردند.

ابن حمزه طوسی در کتاب «الثاقب فی المناقب» از علی بن اسباط نقل می‌کند: ذهبت إلی الرضا(ع) فی یوم عرفة. فقال لی: «اسرج لی حماری» فأسرجت له حماره، ثمّ خرج من المدینة إلی البقیع یزور فاطمة(س)، فزار و زرت معه. فقلت: سیدی علی کم أسلّم؟ فقال لی: سلّم علی فاطمة الزهراء البتول، وعلی الحسن والحسین، وعلی علی بن الحسین، وعلی محمّدبن علی، وعلی جعفربن محمّد، وعلی موسی بن جعفر علیهم أفضل الصلاة وأکمل التحیّات. فسلّمت علی ساداتی ورجعت.

علی بن اسباط می‌گوید: در روز عرفه، خدمت امام رضا(ع) رفتم. حضرت به من فرمود: مرکبم را آماده کن. پس آماده کردم. حضرت به سمت بقیع رفتند تا فاطمه(س) را زیارت کنند. آن حضرت زیارت کردند و من هم زیارت کردم. پس پرسیدم: آقای من! بر کدام یک از مدفونان سلام دهم؟ فرمود: سلام کن بر فاطمه زهرا(س) و بر حسن و حسین و بر علی بن الحسین و محمدبن علی و جعفربن محمد و موسی بن جعفر(ع)، پس سلام دادم بر سروران خودم و بازگشتم.

یا در روایت دیگری آن حضرت به خاطر عظمت و احترامی که بقیع در نزد ایشان داشت، دوستداران و شیعیان خود را امر کردند دوستان و پیروان خود را در این مکان دفن کنند.

محدث نوری در خاتمه مستدرک الوسائل روایتی را نقل می‌کند: «قال أبو النضر: سمعت علی بن الحسن یقول: مات یونس بن یعقوب بالمدینة فبعث إلیه أبوالحسن الرضا(ع) بحنوطه وکفنه وجمیع ما یحتاج الیه...» یونس بن یعقوب در مدینه از دنیا رفت، علی بن موسی‌الرضا(ع) افرادی را برای غسل و حنوط و کفن وی فرستادند و به دوستان خود و پدرشان امر فرمودند بر جنازه یونس بن یعقوب حاضر شوند و به آن‌ها فرمود: این شخص از دوستداران امام صادق(ع) و از شاگردان آن حضرت است که در عراق زندگی می‌کرده و اکنون در مدینه از دنیا رفته است و فرمود: قبرش را در بقیع حفر کنید. پس اگر اهل مدینه گفتند او عراقی است و در بقیع دفنش نمی‌کنیم، به آن‌ها بگویید او از شاگردان و یاران امام صادق(ع) است که در عراق ساکن بوده، اگر مانع ما شوید و نگذارید او را در بقیع دفن کنیم، ما هم نخواهیم گذاشت دوستداران و یاران خود را در بقیع به خاک بسپارید. سپس امام رضا(ع) به یکی از شاگردان خود، محمد بن حباب فرمان داد به بقیع برود و بر جنازه یونس بن یعقوب نماز بخواند.

این روایات نشان می‌دهد قبرستان بقیع از تقدس خاصی نزد حضرت رضا(ع) برخوردار بوده است و متأسفانه در زمان ما، قومی خشن و جاهل به نام وهابی‌ها، بدون توجه به سابقه بقیع نزد پیامبر و اهل بیت طاهرین آن حضرت(ع)، اینچنین لکه ننگی بر صفحه تاریخ ایجاد و این قبرستان مقدس و مطهر را هتک کردند.

■ به سیره پیامبر و اهل بیت آن حضرت(ع) در اهمیت بقیع اشاره فرمودید. اگر امکان دارد مواردی از این روایات را برای خوانندگان رواق ذکر کنید.

معاویه بن وهب گوید: پیامبر خدا(ص) همواره به بقیع می‌رفتند و برای دفن شدگان در آن طلب مغفرت می‌کردند...». (آقا رضا همدانی، مصباح الفقیه، ج۲، قسمت ۲، ص۴۷۱)

یا روایتی که علامه بزرگوار مجلسی(ره) از اهتمام حضرت صدیقه طاهره(س) به زیارت مدفونان در بقیع نقل می‌کند: «زهرا(س) به قبرستان بقیع می‌رفت و بر سر قبر شهدا و سربازان فداکار اُحد می‌نشست و اشک می‌ریخت. علی بن ابیطالب(ع) هم برای آسایش فاطمه زهرا(س) سایبانی در بقیع بنا کرد که بعدها بیت‌الأحزان نامیده شد.(مجلسی، بحارالأنوار، ج۴۳، ص۱۷۷)

امام صادق(ع) نیز با تأسی به پدران بزرگوارشان، در بقیع حضور می‌یافتند. سمهودی می‌گوید: «جعفربن‌محمد این محل را محل استجابت دعا می‌دانست و فرموده است: در تمام اماکنی که پیامبر خدا(ص) دعا می‌کرد و محل آمد و شد آن حضرت بود، برای دعا شایسته و به استجابت نزدیک است». (قاضی سمهودی، وفاءالوفاء باخبار دارالمصطفی، ج۲، ص۲۱۸)

■ به نظر حضرت‌عالی، علاوه بر اهمیت بقیع از نظر اینکه چهار تن از ائمه بزرگوار شیعه(ع) در آنجا مدفون هستند، چه چیز دیگری می‌تواند این اهمیت را آشکار کند؟

بقیع، شامل بخش‌های مهمی از تاریخ صدر اسلام است. در طول بیش از ۱۴ قرنی که از هجرت می‌گذرد، همیشه یادآور روزهای بزرگی بوده که هرکدام، از اسناد اساسی تاریخ در معرفی اسلام و رسالت حضرت رسول(ص) است.

حفظ آثار موجود در بقیع، حفظ مبانی توحیدی و قرآن کریم است و از صدر اسلام تا زمان تخریب این قبور، همیشه میان مسلمانان، با عظمت، قداست و اعتبار خاصی بوده است. واقعاً باید غصه خورد و سوگوار بود که این مشاهد توسط جاهلان روزگار تخریب و خسارات بزرگی به تاریخ اسلام به واسطه تخریب این اسناد تاریخی وارد شد.

هدف شوم و خبیثانه دشمنان در این اهانت بزرگ، از بین‌بردن پشتوانه‌های تاریخ اسلام و اسناد و آثار خارجی و عینی تاریخ بود؛ آثار و مشاهدی که تا دنیا برقرار است باید محفوظ بماند و در پاسداری و حفاظت از حریم آن‌ها، نهایت اهتمام مبذول شود. هیچ کدام از ادیان، افتخار این پشتوانه‌ها را نداشت و این اماکن مقدس، حصار محکم و استواری بود که در حقیقت، حافظ سوابق صدر اسلام است.

به هر حال این جنایت، فراموش‌شدنی نیست و همه مسلمانان باید بکوشند این واقعه دلخراش را همه‌ساله، روز مصیبت اعلام و اهتمام کنند این آثار نوسازی شود. به‌خصوص حرم ائمه طاهرین؛ امام حسن مجتبی، امام زین‌العابدین، امام محمد باقر و امام جعفر صادق(ع)؛ این مفاخر بی‌نظیر اسلام و بشریت.

روایت

عزاداری برای تخریب قبور مطهر ائمه اطهار(ع) در بقیع به روایت اسناد آستان قدس رضوی

همچنان در عزای بقیع

محمدحسین مروج کاشانی | قبرستان بقیع (به عربی: مقبرة البقیع) قبرستان و گورستانی است که در شهر مدینه منوره در کشورعربستان سعودی واقع شده‌است. عده بسیاری از اهل‌بیت عصمت و طهارت(ع) از جمله چهار تن از امامان مظلوم و بزرگوار شیعه، حضرات امام حسن مجتبی(ع)، امام سجاد زین العابدین(ع)، امام محمدباقر(ع) و امام جعفر صادق(ع) و تعدادی از صحابی پیامبر اسلام(ص) در این مکان دفن شده‌اند. بقیع در لغت به معنای زمین وسیعی است که در آن درخت‌های فراوان با ریشه‌های درخت وجود داشته باشد.

این قبرستان در شرق مدینه و در نزدیکی مسجدالنبی(ص) و بارگاه مطهر پیامبر گرانقدر اسلام حضرت محمد مصطفی(ص) واقع شده و از مقدس‌ترین قبرستان‌هایی است که جهان بشریت، شاهد عظمت آن بوده و است، زیرا این سرزمین مقدس که جز ویرانه‌ای انباشته به خاک نیست و بدون سایبان و بدون چراغ است، پیکرهای مطهر اهل بیت پیامبر گرامی اسلام(ص) را در آغوش خاک‌های خود گرفته است.

به مناسبت یکصد و یکمین سالروز حادثه ناگوار، دلخراش و غمبار تخریب بارگاه مطهر ائمه اطهار(ع) در قبرستان بقیع به دست وهابیان درتاریخ هشتم شوال سال ۱۳۴۴ هجری قمری، سراغ «زهرا فاطمی مقدم» کارشناس مسئول بخش ارزشیابی و پیش‌آرشیو اسناد در مرکز اسناد آستان قدس رضوی و دانشجوی مقطع دکترای رشته تاریخ رفتیم تا او از میان اسناد و حقایق ثبت شده در تاریخ، از این واقعه جانسوز برایمان بگوید. درادامه بخش‌هایی از سخنان وی در گفت‌وگو با خبرنگار قدس را می‌خوانید.

■ «بقیعُ الغَرْقَد»

قبرستان بقیع یا بقیعُ الغَرْقَد، کهن‌ترین قبرستان مسلمانان در شهر مدینه در کشور عربستان است. علت اینکه بقیع را بقیع الغرقد نامیده‌اند، آن است که نوعی درخت خاردار در این گورستان می‌روییده که نامش غرقد بوده، از این رو به «بقیع الغرقد» معروف شده است.

بقیع تا ۱۰۰سال پیش دیوار و حصاری نداشته، اما اکنون با دیواری بلند محصور شده و از گذشته تاکنون مسلمانان از هر فرقه و مذهبی، پس از زیارت مرقد پاک و مطهر رسول خدا(ص)، به قبرستان بقیع می‌روند و مزار اهل بیت پیامبر(ص) را زیارت می‌کنند.

بقیع تنها یک گورستان نیست، بلکه گنجینه‌ای از تاریخ اسلام است. قبور چهار امام معصوم شیعیان و نیز قبور همسران و برخی فرزندان پیامبر اکرم(ص)، اصحاب، تابعین و نزدیک به ۱۰هزار نفر از شخصیت‌های نامدار تاریخ اسلام در آنجا واقع شده است.

■ «بقیع» در گذر حوادث تاریخ

در ادوار مختلف تاریخی به‌خصوص اوایل حکومت بنی‌عباس، بر مرقد برخی از این شخصیت‌های اسلامی، بقعه‌هایی ساخته شد که قبور مطهر حضرات ائمه اطهار(ع) از جمله این موارد بوده است. گزارش‌های تاریخی سفرنامه‌نویسان حاکی از آن است در دوره‌های مختلف، این بناها مورد تعمیر و بازسازی قرار گرفته‌اند. ابن‌بطوطه، جهانگرد معروف مسلمان مراکشی در سال ۷۲۵قمری به مکه و مدینه سفر کرده و از بقیع گزارش داده است. او در گزارش و سفرنامه خود از قبر صفیه دختر عبدالمطلب و عمه پیغمبر اسلام(ص) و مادر زبیر بن عوام، قبر ابوعبدالله مالک بن انس که گنبد کوچکی دارد، قبر ابراهیم فرزند پیغمبراکرم(ص) که گنبد سپیدی دارد، قبر عبدالرحمن بن عمر بن خطاب معروف به ابی‌شحمه، قبور عقیل بن ابیطالب و عبدالله بن جعفر بن ابیطالب معروف به ذوالجناحین، مقبره همسران پیغمبراسلام(ص)، مقبره عباس بن عبدالمطلب عموی پیغمبر و حسن بن علی(ع) با گنبدی استوار و صندوقی چوبین با صفحات برنجین و مرصع، قبر عثمان بن عفان و فاطمه بنت اسد و... خبر می‌دهد.

در سال ۱۲۲۰ هجری قمری برای نخستین بار وهابیان، شهر مدینه را محاصره کردند و بارگاه مطهر چهار نفر از امامان بزرگوار شیعه و گنبد بیت‌الاحزان به دستور سعود بن عبدالعزیز، تخریب شد.

سلطان محمود دوم عثمانی لشکری برای تصرف مدینه فرستاد و در ذی‌الحجه ۱۲۲۷ قمری، آن شهر را بازپس گرفت و در ادامه، وی دستور بازسازی بارگاه‌ها را صادر کرد. گزارش سفرنامه‌نویسان ایرانی در دوره قاجار مانند فرهاد میرزا و حسام‌السلطنه فرزند عباس میرزا که به قصد زیارت به آن شهر رفته‌اند، حاکی از بازسازی قبور مقدس ائمه اطهار(ع) است، اما در حمله دوم وهابیان در تاریخ هشتم شوال ۱۳۴۴قمری به مدینه، گنبدها و بارگاه‌های موجود در قبرستان بقیع ویران شد.

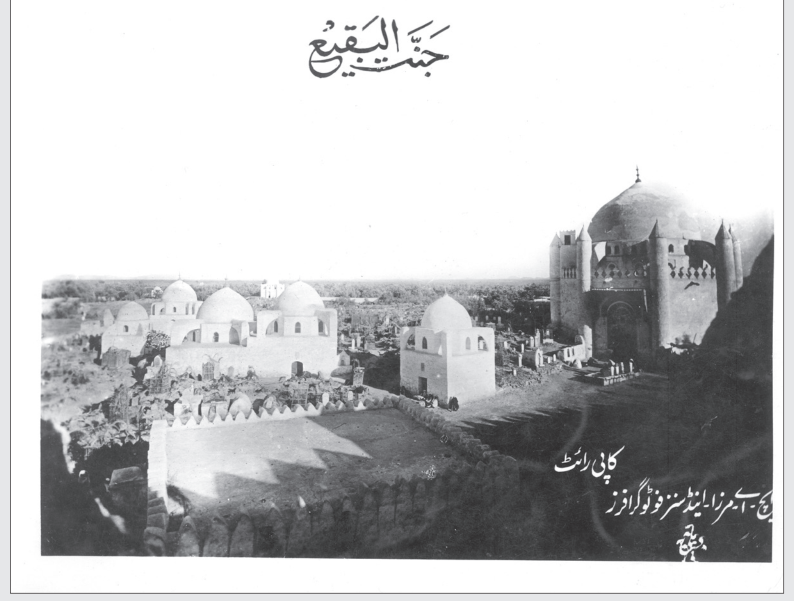

■ سندی به یاد «بقیع» در این قطعه از بهشت

در میان اسناد موجود در گنجینه مرکز اسناد سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سندی مبنی بر عزاداری و اعلام عزای عمومی به مناسبت سالگرد این واقعه جانسوز در ایران و نیز در حرم مطهر رضوی وجود دارد. در این سند به برگزاری مجالس عزا و سوگواری این واقعه بر حسب توصیه «سید حسین طباطبایی قمی» معروف به «حاج حسین آقا قمی» از علمای معروف اشاره شده است. البته نویسنده و مخاطب نامه به‌طور دقیق مشخص نیست، اما از آنجایی که در پایین سند نوشته شده «اقدام لازم شده است» به نظر می‌رسد این نامه از سوی یکی از علمای شهرمشهد، خطاب به متولی و یا یکی از صاحب منصبان آستان قدس رضوی نوشته شده باشد و بر اساس مهر مندرج در پایین این سند که مربوط به سال ۱۳۰۶ شمسی است، گویا تاریخ سند از ثبت و ضبط اداری این سند، پس از اقدامات انجام شده در این زمینه حکایت دارد.

تعطیلی نقاره‌خانه و به تعبیر سند موجود، «عمله شکوه» و نیز سیاه‌پوشانی گلدسته‌ها و ضریح مطهر امام هشتم(ع) ازجمله اقدام پیشنهادی به منظور اقامه عزا در این روز در حرم مطهر امام رضا(ع) بوده است. در بخشی از این سند چنین آمده است:

«... الساعه جناب مستطاب شریعتمدار ملاذ الاسلام آقای شیخ مهدی و جمعی از ائمه جماعت و غیره این بنده منزل بر حسب تلگراف حجه الاسلام آقای قمی دامت برکاته جهت روز هشتم ماه که فردا می‌شود که روزیست که بقاع متبرکه ائمه بقیع را منهدم نموده به این مناسبت اقامه عزا و سوگواری عمومی فراهم نمایند و مشغول شده‌اند عموماً، لذا آقایان خواهشمند می‌باشند که مصیبت برای اجداد حضرت ثامن روحی و ارواح العالمین فداه می‌باشد و فراهم شده، مقرر فرمائید امشب و فردا شب عمله شکوه، خدمت ننمایند و ضریح مطهر و مناره‌ها را سیاه بپوشند و تعطیل فرمایند...».

اما آنچه به عنوان یک دلنوشته و ابراز ارادت به ساحت پاک پیامبر اکرم(ص) و حضرات معصومین(ع) به‌ویژه ائمه مظلوم مدفون در بقیع باید بیان کرد این است: «... یادمان‌های بهشتی را نمی‌توان تخریب کرد...».

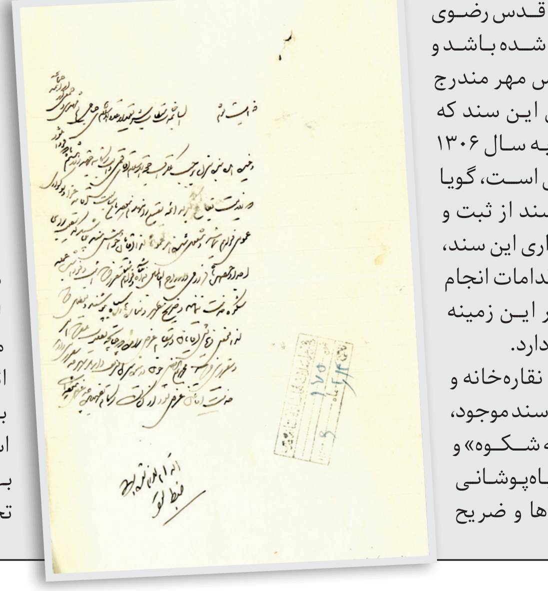

سفرنامه

فرازی از سفرنامه حج آیت‌الله صافی گلپایگانی

روضه غریب

قبرستان بقیع یا بقیعُ الغَرْقَد، کهن‌ترین قبرستان مسلمانان در شرق شهر مدینه است. گفته می‌شود قبرستان بقیع پیش از هجرت پیغمبر اکرم(ص) به مدینه منوره، قبرستان نبود و برحسب بعضی نقل‌ها نخستین نفری که از انصار در این مکان مدفون شد اسعدبن زراره بود. پیامبر(ص) در حدیثی بقیع را روشنایی بخش آسمان و زمین دانسته است.

این بارگاه مقدس و دیگر مراقد که مورد توجه مردم و سفرنامه‌نویسان بوده است، پس از تخریب هم بسیاری از حاجیان در ایام حج درباره این قطعه غربت‌زده قلم زده‌اند. در ادامه فرازی از سفرنامه حج آیت‌الله صافی گلپایگانی از نظر می‌گذرد.

بقیع یکی از دو قبرستان معروفی است که در صدر اسلام و عصر رسالت، مسلمین، اموات خود را در آنجا دفن می‌کردند و تاکنون هم دفن اموات در آن‌ها به مناسبت شأن و فضیلتی که همه مسلمانان برای این دو گورستان قائل‌اند و جنبه‌های تاریخی آن‌ها ادامه دارد. قبرستان دیگر همان قبرستان معروف مکه مکرمه «حجون» است.

قبرستان بقیع پس از هجرت پیغمبر اکرم(ص) به مدینه منوره، قبرستان نبود و برحسب بعضی نقل‌ها نخستین نفر از انصار که در این مقبره مدفون شد، اسعدبن زراره بود. سپس از مهاجران اولین فرد عثمان‌بن مظعون بود که هر دو از صحابه عالی‌قدر بودند و به امر پیغمبر(ص) این زمین برای قبرستان آماده شد. پس از رحلت ابراهیم، فرزند عزیز پیغمبر(ص) که به امر آن حضرت او را نیز در بقیع در کنار عثمان‌بن مظعون دفن کردند، این قبرستان رسمیت یافت و به دفن اموات مسلمین در آنجا اختصاص پیدا کرد.

این قبرستان در سمت شرقی مدینه واقع است و طول آن بر حسب تعیین بعضی، ۱۵۰متر و عرض آن ۱۰۰متر است و ظاهراً این طول و عرض قطعه‌ای است که فعلاً «بقیع» نامیده می‌شود و الا عرض و طول آن کمتر بوده و مکان قبر عثمان که به نام «حش کوکب» موسوم بوده، خارج از بقیع قرار داشته است... و بعدها این مکان را ضمیمه بقیع کردند.

باری، این قبرستان از ۱۴قرن پیش تا امروز همواره زیارتگاه مسلمین و مرکز بیداری و تذکار خاطرات رجال و شخصیت‌های بزرگ اسلام و رویدادهای زشت و زیبا بوده است. این قبرستان پس از روضه مقدسه نبوی، یکی از منابع تاریخ اسلام است که وجود شخصیت‌های تاریخی اسلامی را اثبات و تأیید می‌کند.

■ پیکر حدود ۱۰هزار نفر از صحابه رسول‌الله(ص) در بقیع دفن شده است

حدود ۱۰هزار نفر از صحابه در این قبرستان مدفون هستند.

از سرشناسان و مشاهیری که در این قبرستان مدفون هستند و از بانوان، نخست به احتمال حضرت زهرا(س) را باید نام برد و نفر دوم به‌طور مسلم فاطمه بنت اسد، ام‌الوصی و ام‌الائمه است که نسبت به پیغمبر اکرم(ص) به مناسبت پرستاری و کفالتی که از آن حضرت داشت، مقام مادری دارد و برحسب احادیث، پیغمبر(ص) او را مادر می‌خواند و فرمود پس از ابوطالب کسی نسبت به من نیکی کننده‌تر از او نبود و در مقام تجهیز و تشییع و تکفین و دفن او عنایت‌هایی فرمود که مورد تعجب و جلب توجه شد. از جمله اینکه پیغمبر(ص) پیراهن خود را برای کفن او مرحمت کرد و در قبر او خوابید. از جمله قبور محترمه، قبر ام‌البنین مادر حضرت عباس(ع) شهید کربلاست و قبور زوجات نبی(ص) نیز به غیر از حضرت خدیجه(س) که در مکه مکرمه و میمونه که در سرف مدفون هستند، در بقیع است.

همچنین قبور دیگر بنات پیغمبر(ص) و صفیه عمه بزرگوار آن حضرت و جمعی از بانوان معظمه اهل‌بیت(ع) از بنات بلا واسطه یا مع‌الواسطه ائمه(ع) نیز در بقیع است. اما از مردان نیز شخصیت‌های بسیار در این قبرستان مدفون‌اند که عزیزترین و بزرگ‌ترین آن‌ها نخست سبط اکبر، حضرت امام حسن مجتبی(ع) سید جوانان اهل بهشت و دیگر، امام زین‌العابدین علی بن الحسین(ع) و امام محمدباقر(ع) و امام جعفرصادق(ع) هستند (امام دوم، چهارم، پنجم و ششم) که تاریخ زندگی مشحون از افتخارات، فضائل و بزرگواری آن‌ها مستقلاً و در ضمن صدها تاریخ معتبر نوشته شده است.

دیگر، قبر جناب عباس، عموی پیغمبر(ص) و عقیل، عموزاده آن حضرت و عبدالله جعفر و از جمله چنان‌که قبلاً گفته شد قبر مطهر جناب ابراهیم، فرزند عزیز و عالی‌مقام رسول خدا(ص) است که به‌خصوص در بقیع زیارت می‌شود.

وضع قبرستان بقیع در حال حاضر بسیار موهن است و اهانتی که به رجال و شخصیت‌هایی که در این گورستان مدفون‌اند شده، فوق‌العاده تأسف‌آور و رقت‌انگیز است.

تقریباً جز اقلیت غیرقابل توجهی که به اسم وهابی نامیده‌شده و در سایه حمایت انگلیس و فعلاً آمریکا عرض وجود کرده و موجودیت دارند و گروهی از مردم غافل از حقایق جریان‌ها و دخالت سیاست در امور که فریب تبلیغات عوام‌فریبانه آن‌ها را خورده‌اند، اکثریت مسلمانان از این استخفاف و اهانت، سخت ناراحت و آزرده خاطرند. در هیچ کجای دنیا نسبت به قبور بزرگان خود این همه بی‌ادبی و بی‌احترامی روا نمی‌دارند و در هر کجا دفن اموات مرسوم است، قبور اموات و مقبره آن‌ها نیز محترم است.

■ نقشه تخریب آثار و ابنیه اسلامی یک نقشه بسیار خائنانه بود

نقشه تخریب آثار و ابنیه اسلامی نقشه بسیار عمیق و خائنانه‌ای بود که بیگانگان برای محو مستندات و شواهد عینی تاریخ اسلام کشیده بودند و در موقعی بود که برای تسلط بر کشورهای اسلامی دست به تفرقه و فرقه‌سازی زده بودند. مثلاً علی محمد شیرازی و حسینعلی نور در ایران به ادعای بابیت و مهدویت و نبوت و بلکه الوهیت برخاستند و در هند غلام احمد قادیانی به اصطلاح فرقه مزدور احمدیه و در عربستان نیز فرقه وهابی را وسیله دست ساختند و محمدبن عبدالوهاب را به مزدوری گرفتند که مهم‌ترین مقصود آن‌ها علاوه بر غارت منابع بزرگ نفت، از میان بردن آثار اسلامی بود که حتی روضه مقدسه پیغمبر(ص) را نیز فراگرفت.

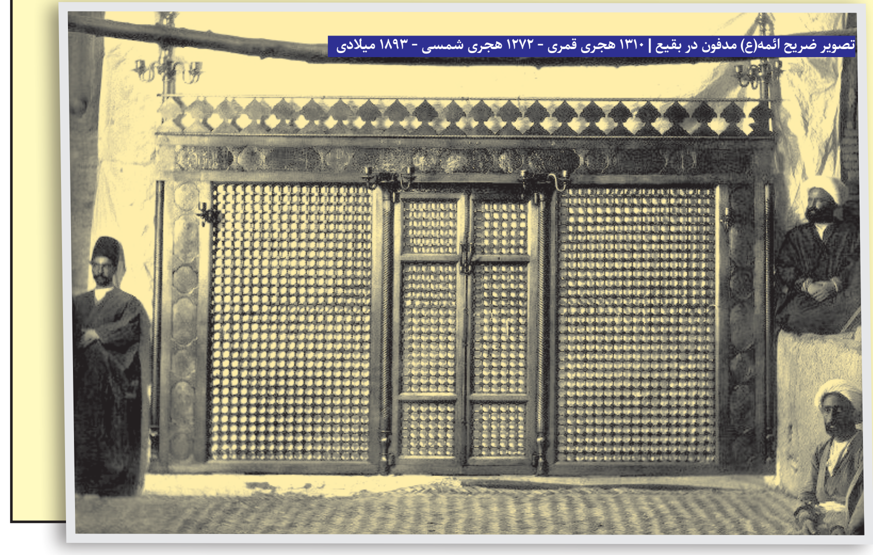
تصویر ضریح ائمه(ع) مدفون در بقیع | ۱۳۱۰ هجری قمری - ۱۲۷۲ هجری شمسی - ۱۸۹۳ میلادی

برش

«بقیعُ الغَرْقَد»

قبرستان بقیع یا بقیعُ الغَرْقَد، کهن‌ترین قبرستان مسلمانان در شهر مدینه در کشور عربستان است. علت اینکه بقیع را بقیع الغرقد نامیده‌اند، آن است که نوعی درخت خاردار در این گورستان می‌روییده که نامش غرقد بوده، از این رو به «بقیع الغرقد» معروف شده است.

بقیع تا ۱۰۰سال پیش دیوار و حصاری نداشته، اما اکنون با دیواری بلند محصور شده و از گذشته تاکنون مسلمانان از هر فرقه و مذهبی، پس از زیارت مرقد پاک و مطهر رسول خدا(ص)، به قبرستان بقیع می‌روند و مزار اهل بیت پیامبر(ص) را زیارت می‌کنند.

برش

بقیع، میراث‌دار تاریخ صدر اسلام

بقیع، شامل بخش‌های مهمی از تاریخ صدر اسلام است. در طول بیش از ۱۴ قرنی که از هجرت می‌گذرد، همیشه یادآور روزهای بزرگی بوده که هرکدام، از اسناد اساسی تاریخ در معرفی اسلام و رسالت حضرت رسول(ص) است.

حفظ آثار موجود در بقیع، حفظ مبانی توحیدی و قرآن کریم است و از صدر اسلام تا زمان تخریب این قبور، همیشه میان مسلمانان، با عظمت، قداست و اعتبار خاصی بوده است. واقعاً باید غصه خورد و سوگوار بود که این مشاهد توسط جاهلان روزگار تخریب و خسارات بزرگی به تاریخ اسلام به واسطه تخریب این اسناد تاریخی وارد شد.